

دیوان درخشان تویدسرکافی

صمد عبدالماکی

جلد دوم

www.ketab.ir

عبدالمالکی، صمد، ۱۳۱۵
دیوان درخشان جلد ۲ / صمد عبدالمالکی .

همدان : انتشارات هانی ، ۱۳۹۶
د ۵۶۰ ص . رقعی

ISBN: ۹۷۸۶۰۰۵۸۵۸۴۲۶
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیفا
شعر فارسی قرن ۱۴ .

کتابنامه : ص ۵۶۰ .
رده بندی : نگره ۱۳۹۶ ۴۴۸۷۵۵۹ ب / ۸۱۴۸ PIR
کتابشناسی دیوئی : ۸۶۲ / ۸۱۴
شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۰۶۴۷۶

انتشارات : هانی ۰۸۱-۳۸۲۲۶۶۲
عنوان : دیوان درخشان جلد ۲
نوبت چاپ : ۱۳۹۶
شاعر : صمد عبدالمالکی
ویراستار : محمد حسین اسکندری
تایپ، طراحی و صفحه آرایی : امیر عبدالوند
لیتوگرافی : سایان
چاپ و صحافی : هانی
شمارگان : ۵۰۰ جلد
قیمت : ۲۰۰۰۰ تومان

به نام خداوند مهر آفرین خداوند هستی و باغ برین
خداوند دانا و با فرّ و هوش کریم خطابخش اسرار پوش

صمد را باید دوباره مرور نمود.

دوباره توفیق یافتیم و سعادت رفیق راه شد و از سرچشمه ای زلال،
چشمه ای دیگر جوشیدن گرفت و دفتری دیگر از اشعار نغز و شیوای
شادری شیرین سخن، خوش مشرب و خوش قریحه به نام درخشان
نوبت رگانی، دل و جان ما را نوازش می دهد. ما دفترهای پیشین درخشان را
معرفی نمودیم. شما درخشان اینک دفتر سومی را به زیور طبع آراسته
است. در ستانه های ورود به دهه ی نهم زندگی خویش است و گوید:

ای پیر سالخورده بی تا - وان شویم
بسیار در این سرا به جهان کامران شویم
تا کی بگویم ز درازی مم خوش
چون رگانی به جاست چرا ناتوان شویم

صمد در زندگی زشت و زیبایی گذران عمر را تجربه کرده و باز گوید:

صفا بر کس نمی بخشد زمانی چرخ بی بنیاد
به خاکش آرمیده بس شهان چون سلیمان
چه درویشم هراسی نیست از این دنیای سرگردان
روم جایی که خوش باشد رفیقان با رفیقانش

او در کشاورزی و صنعت و هنر تا باغداری و دامپروری کاردان بوده
ولی اکنون سرمایه معنوی او همین اشعار است که تقدیم خوانندگان پر مهر
و با صفا کرده است و درخشان در این باره سروده است:

مست عارض گل بین بلبل خوش الحان را
فصل وصل مرغان شد روضه ی گلستان را
شعر من تلاوت کن ای که بلبل عشقی
تا به پای گل ریزم اشک چشم گریان را

و خداوند متعال طلب مغفرت می کند برای خوانندگان اهل دل که شعر دلنشین چون شهد شیرین کام بخش بزم آن عزیزان باشد. شاعر عزیز ما که در ورده های آماز، سرسبز بهشت غرب ایران، تویسرکان می باشد منزلگهش در دستان تاریخی فریازان که مناظری طبیعی و خوش آب و هوا دارد در باغ به نام هشتی که بسیار دلنشین و روح پرور است می باشد و از آب و آفتاب و گل و گیاه این روستا دارای ذوق سرشار و طبعی گران برخوردار است که گرم و شادمانان ناز پرورده اویند و باید یاد کنیم از همسر با وفا و با مرام او "تاجی خانم" که خانه ای گرم را برای شاعر تدارک دیده و پروانه وار به دورش می چرخد. درخشان درباره وی گوید:

من آن مرغ خوش الحانم که یاری مهربان دارم
نهان از چشم بدخواهان می شیرین زبان دارم
تاجی با روی باز از میهمانان درخشان پذیرایی می کند و چون مادری مهربان حافظ شاعر و زندگی شاعرانه اوست. خداوند خیرش دهد.

درخشان پرورش استعداد و قریحه شعری خود را به مهر خدای پیوند زده است که او را با مهربانی می ستاید. فاطمه خانم خواهر شاعر که در تهران زمینه های مساعد حضور صمد را در جلسات شورای شعر فرهنگ ارشاد اسلامی فراهم می ساخته و از سال های دور باعث شده تا شاعر از جام سعادت ساقی های فرح بخش بزرگانی چون اوستا و حسین لاهوتی

و استاد محمود ستوده و دیگر اساتید به سرحد کمال برسد و ساخته و پرداخته از دیوان های سعدی، حافظ و خیام شده و گوید:

آزاده ای درخشان در باغ آشنایی

گر دفترت نسوزد از عشق شیخ شیراز

و حالا در خواهر زاده مهربان خویش به نام هوشنگ اسکندری برادر شهید حمید اسکندری می گوید که زمینه چاپ این دیوان را فراهم کرده است. با زحمت بسیار از همان به تویسرکان مشقات این چاپ سوم را متحمل شده، خداوند او را رافراز گرداند.

خداوند خیر این عزیزان را فاضل و روزی فراوان عطا و بی نیاز گرداند که پیر روشن ضمیر ما درخشان شریف سخن را یاری نمودند تا همچنان بدرخشند.

این شما و این دیوان اشعار ادب پر نعر درخشان تویسرکانی...

عبداله آقایی
زمستان ۳۹۶